

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِأَبِي وَ أُمِّي وَ نَفْسِي

۲ آبان ۱۴۰۴

سلام بر طلوع صبحی که خورشید جانها آمادهی انقلابی عظیم می‌شود. انقلابی که جانهای مرده در کالبدها به لرزه درمی‌آورد تا وعدهی الهی محقق شود. زمین به نور انور آخرین ذخیرهی پروردگار از سیاهی و تباهی نجات یابد. آفرینش به حقیقت امر الهی مزین شود. آرامش بر دلهای مؤمنین به مانند تحفه‌ی آسمانی مسلط شود. منتظران این وعده سر بر سجدهی شکر بگذارند تا جانشان در نور انورش خورشیدی شود که حرارتش جانهای مرده را به حیاتی جاودان دعوت کند. ثانیه‌های زمان او را می‌خواند به این وعدهی الهی، منتظرانی که حقیقت جانشان نمایانگر عشقی است که در سینه دارند پس او را می‌خوانند به ندای «بِأَبِي وَ أُمِّي وَ نَفْسِي»، نفسی که حقیقت جانش بر ملکوتیان آشکار است و در کالبد خاکی‌اش در تب و تاب است که روزهای عمرش را رقم می‌زند.

عمر می‌گذرد، به دل خاک می‌رود، زبانش از تکلم می‌ایستد، آنگاه پروردگارش او را به حقیقت روحی آشنا می‌کند که ثروتش را پایانی رقم نمی‌زند. خورشید جانش در عشقی که ذخیره نموده می‌درخشد تا صاحب وعده‌ای شود که پروردگارش ضامن آن است. ضمانتی که عطر و بویش در فضای جانش می‌پیچد تا بهشت جانی را به تصویر بکشد که وعدهی پروردگارش است. حیات و مماتی که حیاتش ضربان زنده بودن است و مماتش مردن جسمی است که در دل خاک پنهان می‌شود تا امر الهی از راه برسد و او را با روحی زنده کند که مشتاق صحرای قیامت است.

پس دست نیاز به درگاه پر رحمتش می‌گشاییم: یا رب، بر ثروتی که به ما ارزانی داشته‌ای شکری را بیاموز که حیاقتان را در هر لحظه به خود اختصاص دهد و ما را شاکر نعمتی که هرگز ثروتش پایان نمی‌پذیرد و گنجینه‌اش تهی نمی‌شود. نام نیکش تا قیامت باقی می‌ماند، گذشتگان می‌روند و آیندگان می‌آیند تا همواره عشق به حقیقت را در جانشان بیفروزند و منتظرانی شوند که او را می‌خوانند به ندای:

اللهم عجل لوليک الفرج

در خاتمه خطبه را مزین می‌کنیم به فرمایشات وجود مقدس حضرتش که فرموده بودند: آنچه انسان در حرارت جسم خاکی تحمل می‌کند مدالی است که همواره بر سینه‌اش می‌درخشد تا همگان بر این مدال بنگرند و جانی را در پشت آن ببینند که در برآوردن فرمان الهی هر روز مصمم‌تر از روز قبل حرکت می‌کند و این جان قابل تقدیر است که اگر غیر از این بود این گوهر وجودی قابل درک نبود.

مهدیه تشکی است که افتادگان از بلندی نفس اماره را از مرگ حتمی نجات می‌دهد. پس قدردان مکانی شوید که می‌آیید و می‌روید تا مرگتان فرا برسد و با خود نشانی را همراه کنید که بزرگی‌اش را شکری رقم نمی‌زند.

اللهم عجل لوليک الفرج